ادامه از صفحه ۳

۵۲ نفر در برابر ۵۲ نقطه

نخست‌وزیر (مهندس بازرگان)، وزیر دفاع (مصطفی چمران) و وزیر خارجه (ابراهیم یزدی) ایران خواستار ملاقات با برژینسکی شدند که برای مراسم بیست‌وپنجمین سالگرد انقلاب الجزایر در الجزیره به سر می‌برد و من هم با او بودم. برژینسکی از من خواست برای یادداشت‌برداشتن همراهش بروم».خرداد ۹۶ برژینسکی، مشاور کارتر درگذشت. بار دیگر به این بهانه سراغ ابراهیم یزدی رفتیم و او از مذاکره الجزایر مختصر گفت: «اگر ما با آمریکایی‌ها اختلافی داریم باید بنشینیم با آنها گفت‌وگو کنیم. برژینسکی طرف خوبی برای مذاکره بود؛ در مذاکرات سیاسی خیلی مهم است که طرف ما چه کسی است. برژینسکی یک مذاکره‌کننده بسیار زیرک و باهوش بود و به مطالبی که می‌گفت اشراف داشت، این، کار آدم را راحت‌تر می‌کند. برژینسکی به کار خودش وارد بود... ما می‌خواستیم در زمینه روابط دو کشور توافق کنیم... بالاخره برژینسکی شخصیت برجسته‌ای در سیاست خارجی دولت آمریکا بود و ما هم اگر می‌خواستیم با آمریکا بر سر مسائل مورد اختلاف طرفین به توافق برسیم، او بهترین فرد برای مذاکره بود... در واقع آنچه ما می‌خواستیم و دنبالش بودیم، تفاهم درباره انقلاب ایران بود چون این سابقه نداشت. بنابراین برای ما خیلی مهم بود که مواضع انقلاب اسلامی و ایران را به آمریکایی‌ها حالی کنیم».

اما تیم مذاکره‌کننده از الجزایر بازگشت و سه روز بعد گروهی دانشجو، سفارت آمریکا را تسخیر کردند. یزدی در پاسخ به این سؤال که فکر این اتفاق را می‌کردید، می‌گوید: «در ایران به همان اندازه که گروهی می‌خواستند با آمریکایی‌ها به توافق برسیم، کسانی هم بودند که نمی‌خواستند. می‌خواستند همچنان روابط ما با آمریکایی‌ها خصمانه باشد. طیف گروه‌های چپ این موضع را داشتند و این واکنش را نشان دادند که مبادا روابط عادی شود، چون بالاخره انقلاب پیروز شده بود. منافع ملی ایجاب می‌کرد که با آمریکایی‌ها کنار بیاییم، اما البته چپی‌ها نمی‌خواستند. طیف گسترده چپ‌ها -چه مسلمانشان چه غیرمسلمانشان- همه نسبت به اینکه ما با آمریکایی‌ها به تفاهم برسیم، ناراحت بودند و واکنش نشان دادند. مخالفت را پیش‌بینی می‌کردیم اما نه در این اندازه».

یزدی می‌گفت «به نظر من ما می‌توانستیم با آمریکایی‌ها توافق کنیم. به نفع ما هم بود که {آن زمان} با آمریکایی‌ها توافق کنیم»؛ همان‌طور که در خاطرات مهندس بازرگان هم هست که درباره موضوع قراردادهای سلاح و پول‌هایی که در حساب‌های آمریکایی هست، صحبت کردند. مسائلی که شاید اگر در الجزایر حل می‌شد وضعیت به این گونه باقی نمی‌ماند.

آمریکا برای آزادی گروگان‌ها عملیات طبس را طراحی کرد، عملیاتی آمریکایی برای آزادی گروگان‌ها که با توفان شن مواجه شد.

چند ماه بعد از افتتاح مجلس در خردادماه ۱۳۵۹ در نامه‌ای از سوی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی تصمیم‌گیری درباره گروگان‌های آمریکایی به مجلس سپرده شد. دولت پروسه اجرائی رسیدن به یک توافق‌نامه با ایالات متحده آمریکا را برعهده داشت. با توجه به قطع رابطه سیاسی بین دو کشور از سوی آمریکا، دولت الجزایر به‌عنوان حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران واسطه رسیدن به تفاهم نهایی بود. بهزاد نبوی، معاون اجرائی رئیس‌جمهور محمدعلی رجایی مدیریت مذاکرات را برعهده داشت که در نهایت با رأی همراه با تأخیر نمایندگان مجلس شورای اسلامی منجر به عهدنامه ۱۹۸۱ الجزایر شد و تأخیر نمایندگان مجلس یکی از عوامل شکست انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا جیمی کارتر در مقابل رونالد ریگان شد تا جیمی کارتر فقط چهار سال در رأس حکومت بماند.

بعد از آزادی گروگان‌ها، ماجرای مک‌فارلین تنها ارتباط مخفیانه دوباره ایران و آمریکا بود که آن‌هم به فضاحتی سیاسی در آمریکا منجر شد.

از پاییز ۵۸ تا پاییز ۹۲

رابطه دو کشور مسکوت ماند تا پاییز ۹۲، اگرچه در این بین، تحریم‌ها و قطع‌نامه‌هایی بود که یک به یک از ماجرای سفارت تا پرونده هسته‌ای و موضوعات حقوق‌بشری علیه جمهوری اسلامی ایران صادر می‌شد. با این اوصاف پاییز ۹۲، حسن روحانی در مسیر منهتن تا فرودگاه مکالمه تلفنی ۱۹دقیقه‌ای با باراک اوباما داشت. مکالمه‌ای که فروغ امیدی را بر حل این مسئله تاباند. اولین ملاقات دوجانبه جواد ظریف و جان کری، وزرای خارجه ایران و آمریکا، در همان روزها، اگرچه بر سر مسئله هسته‌ای متمرکز بود اما فضای مثبتی برای حل‌وفصل مسئله ایجاد کرد. مذاکرات دوجانبه دو وزیر آن‌قدر در ۱۸ ماه مذاکرات هسته‌ای تکرار شد که عادی می‌نمود تا دستیابی به توافق هسته‌ای و برجام.

اما برجام به تعبیر میرمحمود موسوی، دیپلمات باسابقه ایرانی «سنگی میان رودخانه بود» و نتوانست مسئله رابطه دو کشور را حل‌وفصل کند. اگرچه از ابتدا نیز چنین مأموریتی بر این مذاکره بار نشده بود.

با این اوصاف خروج آمریکا از برجام همه معادلات را بر هم زد، آمریکای دونالد ترامپ در میانه کارزاری قرار گرفته که همه چیز را به نحوی عجیب، پیچیده کرده است. صدور دستور ترور سردار سلیمانی حتما سخت‌ترین فراز رابطه دو کشور است که نمی‌توان آینده‌ای برای آن متصور شد.

عکس: AP

تهران – واشنگتن – بغداد پس از ترور سردار سلیمانی

ایران – عراق، نسخه ۲۰۲۰

روح‌اله نخعی: ساعات اولیه پس از اعلام خبر ترور سپهبد سلیمانی در عراق، ساعات نگرانی، پرس‌وجو، ابهام، گمانه‌زنی و حتی ترس بود؛ نگرانی مردم ایران و ایالات متحده از آنچه می‌توانست آغاز جنگی باشد که سال‌هاست به‌عنوان یک احتمال پس ذهن آنها را به خود مشغول کرده است، نگرانی دوتابعیتی‌هایی که فکر می‌کردند بالارفتن شانس تقابل نظامی بین دو ملیتشان، زندگی آنها و گزینه‌های سفر به یکی از دو سرزمین مادری و پدری‌شان را محدود و مخدوش کند، نگرانی مردم دنیا از آنچه به نظرشان می‌توانست دهه‌ها و سده‌ها بعد به‌عنوان جرقه آغاز جنگ جهانی سوم در مدارس تدریس شود، چنان‌که در روز وقوع حادثه، این نگرانی با ترندشدن عبارت «جنگ جهانی سوم» به چند املا و لااقل دو زبان در صدر ترندهای جهانی دیده شد؛ پرس‌وجوی مردم و کارشناسان و دست‌اندرکاران این حوزه از یکدیگر که «چه در حال وقوع است»؛ ابهام درباره تصاویر و خبرهایی که معلوم نبود در حال رقم‌زدن چه تصویری هستند، گمانه‌زنی چهره‌های دورونزدیک به سیاست‌ها و روابط منطقه درباره آنچه در ادامه خواهد آمد و ترس مردم منطقه از شعله‌ورشدن دوباره آتش جنگی تازه؛ جنگی که احتمالا می‌توانست جنگ سال‌های اخیر در عراق و افغانستان را در مقام مقایسه به چالش‌های کوچک نظامی تبدیل کند.

اما ساعات اولیه بدون روشن‌شدن نشانه آشکار بعدی گذشت و بسیاری با وعده ایران مبنی بر «واکنش در زمان و مکان مناسب» آماده بودند تا ماه‌های آینده را در انتظار بگذرانند. واکنش اولیه سیستم سیاسی عراق، تصویب قطع‌نامه‌ای در پارلمان با پیشگامی شیعیان بود که دولت را پیگیر اخراج نیروهای نظامی ایالات متحده از خاکش می‌کرد تا برخی گمانه‌زنی کنند که نتیجه اصلی ترور، همین بیرون‌رانده‌شدن از عراق خواهد بود که به تعبیر برخی، غایت خواسته‌های ژنرال ایرانی هم بود. رئیس‌جمهور ایالات متحده البته واکنش تندی به این قطع‌نامه نشان داد؛ آن هم با تهدید آشنایش، تحریم که پیش‌تر علیه چند کشور از جمله ترکیه به کار برده و علیه چند کشور از جمله ایران اجرائی‌اش کرده بود اما واکنش نظامی ایران زودتر از این گمانه‌زنی‌ها رسید؛ حمله‌ای موشکی به پایگاه نظامی آمریکا در عراق که با هماهنگی کشور میزبان انجام شد، حمله‌ای که با انتخاب هدف، جدیت ایران در واکنش به اقدامات بعدی احتمالی را نشان دهد و نیز توانایی نظامی ایران در هدف‌گرفتن یکی از چندین نقطه حضور نیروهای ایالات متحده در منطقه را. بعد از این حمله گزارش‌های اولیه از نبود تلفات جانی حکایت کرد و رئیس‌جمهور بی‌قاعده ایالات متحده نیز در یک نشست خبری ماجرا را ختم‌شده خواند تا به نظر برسد لااقل این راند از تقابل نظامی همین جا به پایان رسیده است، به‌ویژه با توجه به خبردادن ایران به عراق که مشخص بود منجر به خبردارشدن آمریکایی‌ها و دیگر نظامیان عراق خواهد شد؛ اگرچه در روزهای بعد مشخص شد که نه حمله ایران و نه خبردارشدن آمریکا تضمین فقدان تلفات نبوده است و با نزدیکی نیروها به محل اصابت موشک‌ها که منجر به انتقال تعدادی برای درمان هم شده، به روایت فرماندهان آمریکایی، «معجزه» عامل کشته‌نشدن آنها در این حمله بوده است.

اضطراب اوج‌گرفته اولیه فرونشست، فضای رسانه‌ای ایران مشغول فاجعه ساقط‌شدن هواپیمای اوکراینی توسط پدافند سپاه شد، سیاسیون ایران درگیر فرایند تأیید و رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و انتخابات پیش‌رو شدند، آمریکایی‌ها را ماجرای استیضاح و انتخابات ریاست‌جمهوری مشغول کرد و اروپایی‌ها و دیگران نیز پیگیر برجام، برگزیت و دردسرهای دیگر شدند؛ اما یکی از سه بازیگر این صحنه، هنوز با دو سؤال بزرگ مواجه است که یکی را قبل از این وقایع نیز داشت. عراق حالا از سویی باید هنوز تکلیف ادامه روند اداره کشور را بعد از اعتراضاتی تعیین کند که تا استعفای نخست‌وزیر پیش رفته بود و از سوی دیگر، باید به مسئله حضور و نقش ایالات متحده از سویی و ایران از سوی دیگر، در سایه اتفاقات اخیر بپردازد و نتیجه تصمیم پارلمان را مشخص کند. نتیجه چه خواهد شد؟

منطقه خاورمیانه در شرایط فعلی منتظر پاسخ دو سؤال است: آیا آمریکا چه به تمامی و چه به شکل محدود، از عراق خواهد رفت؟ اگر برود، عراق و منطقه در روزهای پساآمریکا چه وضعیتی پیدا می‌کنند؟

آیا آمریکا از عراق می‌رود؟

برخی معتقدند ایالات متحده مصمم به ماندن است و عراق در شرایط سیاسی فعلی توانایی اجبار آمریکا به خروج یا شاید تمایل واقعی به اخراج را ندارد، برخی از احتمال جدی‌شدن خروج می‌گویند و برخی نیز معتقدند آمریکا برخی نیروها را در منطقه حفظ خواهد کرد تا وجهه خود را حفظ کند و بقیه را خارج خواهد کرد. این البته سوای گزینه‌های احتمالی افزایش تنش نظامی در منطقه است که همه معادلات را تغییر خواهد داد.

یکی از تحلیل‌هایی که آمریکا را در عراق ماندنی می‌خواند، در فارن‌پالیسی منتشر شده است. از نگاه این وب‌سایت برجسته آمریکایی، تحلیل سیاست خارجی عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق، چاره‌ای جز این نداشت که خواستار اقدام فوری شود؛ اما در واقع نمی‌خواهد پیش از اینکه نوعی ثبات و عادی‌سازی در عراق بحران‌زده به نتیجه برسد، آمریکا خارج شود. این تحلیل را می‌توان در سایه تصمیم نخست‌وزیر بر محول‌کردن تصمیم نهایی به دولت بعدی جدی گرفت؛ هرچند شاید نخست‌وزیر مستعفی که در پارلمان با جدیت تمام پیگیر تصویب قطع‌نامه اخراج بود، در شرایط سیاسی داخلی چاره‌ای جز موکول‌کردن تصمیم به بعد از تعیین تکلیف دولت نداشته است.

> **عراق حالا از سویی باید هنوز تکلیف ادامه روند اداره کشور را بعد از اعتراضاتی تعیین کند که تا استعفای نخست‌وزیر پیش رفته بود و از سوی دیگر، باید به مسئله حضور و نقش ایالات متحده از سویی و ایران از سوی دیگر، در سایه اتفاقات اخیر بپردازد و نتیجه تصمیم پارلمان را مشخص کند. نتیجه چه خواهد شد؟**

نگاه جالب دیگر، نگاه رسانه هیل به‌عنوان رسانه‌ای نزدیک به محافظه‌کاران آمریکایی است که خروج آمریکا را نه به‌عنوان یک احتمال؛ بلکه به‌عنوان یک توصیه مطرح می‌کند. هیل می‌نویسد آمریکا در مقاومتش در مقابل این حمله، از طرفی به احتمال سربرآوردن دوباره داعش اشاره می‌کند و از طرفی این حضور را مثبت می‌داند: «هیچ‌کدام از این دو، دلایل خوبی برای ماندن در عراق نیستند. داعش هیچ‌وقت کاملا پاک‌سازی نخواهد شد و بدون حضور مستمر اشغال نظامی ایالات متحده در خاورمیانه نیز قابل مدیریت است». هیل حضور نظامی آمریکا در منطقه را تنها باعث قرارگرفتن یک سیبل پشت سربازان آمریکایی برای نیروهای افراطی در منطقه می‌خواند که هم‌زمان به‌عنوان سیم تله‌ای برای شروع جنگ با ایران نیز عمل می‌کند: «خواست ماندن [ایالات متحده] در عراق این کشور را به‌عنوان جایزه‌ای برای ایالات متحده اشتباه می‌گیرد؛ درحالی‌که در واقع، عراق گرفتاری‌ای است که باید مشتاق راحت‌شدن از آن باشیم». هیل به توصیف شرایط فعلی داعش در عراق می‌پردازد که هنوز حضور دارد؛ اما تهدیدی برای ایالات متحده نیست و «ضعیف‌ترین قدرت» در منطقه، در محاصره «دولت‌هایی که به دنبال نابودی‌اش هستند» به حساب می‌آید: «مشروط‌کردن خروج ایالات متحده به نابودی کامل داعش، طرز تهیه فضایی برای همیشه‌ماندن است. ازآنجاکه خاورمیانه اصلا از لحاظ سنی افراطی کمبود ندارد. داعش، در اساسی‌ترین شکلش، مجموعه‌ای از ایده‌ها و اصول انگیزه‌بخش است». طبق این تحلیل، نابودی خلافت داعش هدف در دسترسی بود؛ اما کاهش تفکرات افراطی پیروانش با قدرت نظامی شدنی نیست: «حضور ایالات متحده می‌تواند کاتالیزور فعالیت‌های افراطی باشد؛ چنان‌که از رشد شورشی‌ها و گروه‌های مختلف اسلام‌گرایی در سراسر خاورمیانه و شرق آفریقا هویداست که پیش از این تهاجم اولیه به عراق [در ۲۰۰۳] حضور نداشتند».

سی‌ان‌ان اما احتمال سومی را مطرح می‌کند که شاید کم‌دردسرتر از دو گزینه دیگر یعنی چالش برای ماندن یا خروج باشد؛ هر دو مورد. به روایت تحلیلی که در این رسانه منتشر شده است، به یکی از مواضع مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده، اشاره می‌شود که از احتمال کاهش نیروها سخن گفته است. فؤاد جرجس، استاد روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن دراین‌باره می‌گوید چنین پیشنهادی کاربرد حفظ وجهه را دارد که به نیروهای آمریکایی اجازه می‌دهد در تعداد اندک برای مبارزه با داعش در عراق بمانند؛ اما در اساس فرایند خروج را کلید زده است.

ماندن آمریکا به شکلی که در سناریوی فارن‌پالیسی مطرح شده است، کم‌وبیش ادامه وضعیت فعلی با تنش‌ها و ریسک‌های بیشتر و تقابل‌های سیاسی جدی‌تر خواهد بود؛ اما دو گزینه دیگر، تغییر عمده‌ای در وضعیت فعلی ایجاد می‌کنند که بازی را برای عراق و برای ایران در منطقه عوض خواهد کرد.

اگر آمریکا برود، صحنه عراق برای ایران به چه شکلی تبدیل می‌شود؟

از یک نگاه، اگر آمریکا از عراق خارج شود، خواه به صورت کامل و خواه با حفظ تعداد اندک نیروها که حضور نمادین داشته باشند، تحولات صحنه عراق به سود ایران پیش خواهند رفت. این نگاه به طور خاص در ایالات متحده موافقان فراوانی دارد و رویکردی در ایران نیز تا حد زیادی این اتفاق را چرخش مثبتی در روند وقایع منطقه می‌بیند.در همان تحلیل سی‌ان‌ان، از طرفی خروج آمریکا منجر به ایجاد فرصتی برای اوج‌گیری دوباره داعش خواهد شد؛ اما از طرفی دیگر فرصت را برای افزایش نفوذ ایران در منطقه افزایش می‌دهد. این اتفاق دوم البته در تحلیل‌های آمریکایی‌ها جایگاه بالاتری دارد. سی‌ان‌ان می‌نویسد: «تهران و واشنگتن از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ در رقابتی برای نفوذ در عراق بوده‌اند و در این رقابت، ایران همین حالا هم در حال پیروزی است. راهبرد منسجم و مستمر ایران، چیزی که ایالات متحده ندارد، به تهران اجازه داده است که به‌تدریج حضور خود را در تاروپود زندگی روزمره در عراق بتند». جرجس دراین‌باره به سی‌ان‌ان گفته است ایران حالا هم «بانفوذترین دولت در عراق» است: «اگر ایالات متحده خارج شود، این قدرت بیشتر هم خواهد شد». در تحلیل‌های مربوط به حضور ایران در عراق در رسانه‌های مختلف، علاوه‌بر نفوذ سیاسی ایران، رابطه تجاری مهم عراق با همسایه‌اش به‌عنوان یکی از شرکای اصلی تجاری، دیگر عامل مؤثر در این زمینه خوانده شده است.

یک نگاه دیگر اما این خروج را دارای پتانسیل دردسرآفرینی برای ایران می‌بیند و جالب اینجاست که این نگاه نیز با پیش‌بینی‌های مشابه با نگاه دیگر به این نتیجه می‌رسد. یکی از نمونه‌های خوب ترسیم این تصویر در مصاحبه ناصر هادیان با یورونیوز فارسی انجام شده است. تحلیلگر مسائل استراتژیک و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، مثل خیلی‌های دیگر، صحبت‌ها درباره خروج آمریکا از منطقه را درواقع به معنای خروج آمریکا از عراق به عنوان جدی‌ترین نقطه حضورش می‌بیند، اما می‌گوید: «منافع استراتژیک ما [ایران] در این نیست که آمریکا از عراق خارج شود. منافع استراتژیک ما ایجاب می‌کند که آمریکا از سوریه بیرون برود». او در پاسخ به پرسش یورونیوز درباره دلیل این تحلیل می‌گوید: «اگر الان آمریکا از عراق خارج شود، یک فضای خالی در عراق ایجاد می‌شود. در این صورت ما باید تمام‌قد وارد عراق شویم و امنیت را آنجا برقرار کنیم؛ یعنی اگر داعش در شمال عراق سر برآورد، دوباره باید به جنگ با داعش برویم ولی این‌بار به‌تنهایی او را سرکوب کنیم». هادیان توضیح می‌دهد: «سربرآوردن داعش در شمال عراق یعنی جنگ داخلی در این کشور و نوسان در قیمت نفت. جنگیدن با داعش در عراق نیز مستلزم برخورداری از امکاناتی در خاک این کشور است که ما فعلا این امکانات را نداریم. در چنین شرایطی، وقتی ما نتوانیم آب و برق و امنیت عراق را تأمین کنیم، مردم عراق موضع می‌گیرند. البته این وضع نه بلافاصله پس از خروج آمریکا بلکه شش ماه بعد شکل می‌گیرد». اشاره این کارشناس بین‌الملل به موضع‌گیری احتمالی مردم عراق، احتمالا در سایه اعتراضاتی است که در ماه‌های گذشته، پیش از تحولات اخیر در منطقه رخ داده است. دور به نظر می‌رسد اما تا کمی پیش از این که یک ترور منطقه را به هم بریزد، اعتراضات گسترده مردم عراق به ناکارآمدی‌های اقتصادی و سیاسی دولت این کشور در جریان بود که حمایت مرجعیت دینی در این کشور را نیز به‌دنبال داشت. در میانه این اعتراضات، بخشی از مردم نیز ایران را در شرایط کشور سهیم می‌دانستند و این باعث شد خشم این گروه، دامن چند کنسولگری ایران در نجف و کربلا را هم بگیرد. تصویری که هادیان رسم می‌کند، ایران را به‌عنوان تنها بازیگر خارجی مؤثر در عراق پیش‌بینی می‌کند، اما برخلاف تحلیلگران آمریکایی که این را فرصتی برای ایران می‌خوانند، او به تهدید احتمالی چنین حضوری در کشوری اشاره دارد که دولتش در رسیدگی به برخی از نیازهای اساسی مردمش ناکام بوده است. او بحران‌های داخلی دولت عراق را در چنین سناریویی مؤثر می‌خواند: «بالاخره الان ناتو در عراق مشغول آموزش نیروهای عراقی است، شرکت‌های آمریکایی در کردستان عراق مشغول فعالیت‌اند و مواردی از این دست باعث می‌شود خروج آمریکا از عراق، موجب افزایش ناکارآمدی دولت عراق در حوزه‌های گوناگون شود. همچنین حضور آمریکا در منطقه، اتفاقا موجب کاهش جنگ در این منطقه می‌شود. این یک واقعیت استراتژیک است. برخی استراتژیست‌های ما هم متوجه می‌شوند صلح و ثبات در این منطقه، با حضور آمریکا بیشتر از زمانی است که آمریکا در منطقه نباشد». از نگاه هادیان بیرون‌رفتن آمریکا از عراق تبعات بعدی دیگری خواهد داشت: «اگر آمریکا منطقه را ترک کند، فردا ترکیه به لیبی حمله می‌کند و عربستان درگیر جنگ می‌شود یا مثلا عربستان به بحرین حمله می‌کند. در همین وقایع ماه‌های اخیر هم، حضور آمریکا در منطقه باعث شد ترکیه اقداماتش را علیه کردها در شمال سوریه متوقف کند».

چنین تنشی، درصورتی‌که رخ دهد و فضای سیاسی عراق را به ضرر ایران تغییر دهد، احتمالا باعث افزایش فشار بر نیروهای سیاسی نزدیک به ایران نیز خواهد شد. همان‌طور که ترور چندین نفر در بغداد توسط آمریکا فضایی را ایجاد کرد که پروژه مهمی مثل اخراج آمریکا یک گام بزرگ روبه‌جلو بردارد، چنین روندی، ممکن است دست بالا را به مخالفان ایران در عراق بدهد و این فضا را به ضرر ایران تغییر دهد. اگر هم‌زمان با این روند، داعش نیز در عراق قدرت گرفته باشد، ایران ناچار به ادامه حضور در عراق برای مقابله با آن خواهد بود و به این ترتیب ایران یا ناچار به تحمل فشار سیاسی خواهد بود یا ناچار خواهد شد، امتیازاتی برای ادامه حضورش به طرف‌های دیگر بدهد. گزینه سوم این است که راهی که ایران پیدا کند یا تحول بعدی که منطقه رخ دهد، بتواند بار دیگر زمین بازی را به نفع ایران تغییر دهد و البته ذات حضور داعش اگر دوباره منجر به وقوع فجایع و جنایات قبلی این سازمان تروریستی در عراق شود، می‌تواند باعث شود ادامه حضور ایران برای مردم عراق به یک ضرورت تبدیل شود.

کوتاه از دیپلماسی

سفر وزیر خارجه ونزوئلا به تهران

● **شرق:** وزیر خارجه ونزوئلا دیشب به تهران آمد. روز گذشته سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه گفت: خورخه آرئاسا، وزیر امور خارجه ونزوئلا، امشب در رأس هیئتی وارد تهران می‌شود و با دکتر ظریف و سایر مقامات عالی‌رتبه کشورمان دیدار و درباره مسائل مورد اهتمام طرفین گفت‌وگو و تبادل‌نظر خواهد کرد.

گفت‌وگوی جانسون و مکرون درباره ایران

● **ایسنا:** نخست‌وزیر انگلیس و رئیس‌جمهور فرانسه بر لزوم کاهش تنش‌ها پیرامون مسائل ایران تأکید کردند. به گزارش «رویترز»، سخنگوی دفتر نخست‌وزیری انگلیس در بیانیه‌ای با اشاره به گفت‌وگوی بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه گفت: این دو رهبر درباره تعهداتشان به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و تبیین چارچوبی طولانی‌مدت برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای گفت‌وگو کردند. او افزود: آن دو همچنین بر لزوم کاهش تنش‌ها و همکاری با شرکای بین‌المللی در جهت یافتن راه‌حلی دیپلماتیک درخصوص تنش‌های کنونی تأکید کردند.

بعیدی‌نژاد خبرداد

استماع دادگاه تجدیدنظر پرونده بدهی انگلیس به ایران، اواخر هفته

● **شرق:** حمید بعیدی‌نژاد سفیر ایران در لندن در توییتی نوشت: «جلسه استماع دادگاه تجدیدنظر مربوط به بخش کوچکی از مبلغ بدهی قرارداد تسلیحاتی انگلیس به ایران روزهای چهارشنبه و پنجشنبه این هفته در لندن تشکیل می‌شود». او افزود: «با تعیین‌تکلیف این بخش کوچک، فرایند حقوقی پرونده به پایان خود نزدیک می‌شود و بهانه‌ای برای عدم پرداخت بدهی باقی نخواهد ماند».

جزئیات جدید زخمی‌شدن نظامیان آمریکایی در حمله ایران

● **ایسنا:** روزنامه کویتی القبس به نقل از روزنامه «بیزینس اینسایدر» اعلام کرد برخی از نظامیان آمریکایی که بر اثر حمله ایران زخمی شده بودند، به اردوگاه «عریفجان» کویت انتقال داده شدند و برخی دیگر به مرکز پزشکی «لاندستول» آلمان منتقل شدند تا در آنجا معالجه شوند. این روزنامه با اشاره به اینکه ترامپ و ارتش آمریکا پیش از این اعلام کرده بودند که هیچ‌یک از نظامیان آنها آسیب ندیده است، گفت: اما ارتش آمریکا روز جمعه در موضعی دیگر اعلام کرد که ۱۱ نظامی آنها دچار سوختگی شده‌اند. این روزنامه کویتی در ادامه با اشاره به اینکه پنتاگون تا یک هفته بعد از حمله موشکی ایران از زخمی‌شدن ۱۱ نظامی آمریکایی خبر نداشته است، به نقل از برخی منابع نوشت: سطح آسیب‌دیدگی برخی از این نظامیان آمریکایی شدید و برخی دیگر متوسط است. این منابع همچنین اعلام کردند که برخی دیگر از نظامیان آمریکایی در نواحی مختلف بدنشان دچار سوختگی شده‌اند و به برخی از آنها نیز ترکش اصابت کرده است. این منابع در ادامه با اشاره به اینکه پایگاه هوایی احمد الجابر مساحت گسترده‌ای برای نیروهای آمریکایی و هم‌پیمانان آنها دارد و این مسئله در چارچوب توافقات دفاعی مشترک میان دو کشور است، افزودند: یک تیم پزشکی آمریکایی که در بیمارستان نظامی در کویت حضور دارد، آسیب‌دیدگان حملات موشکی ایران را معالجه می‌کند. این منابع همچنین اعلام کردند که برخی دیگر از نظامیان آمریکایی که در حمله ایران آسیب دیده‌اند، اکنون در داخل عراق در حال درمان هستند، زیرا زخم‌های آنها سطحی بوده و نیازی به انتقال به کویت نداشتند.

چین چقدر در ایران سرمایه‌گذاری کرده است؟

● **ایسنا:** مؤسسه «امریکن اینترپرایز» اعلام کرد که با وجود کاهش حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۹، این کشور به منظور توسعه روابط خود با جهان از سال ۲۰۰۵ تاکنون حدود دو تریلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف انجام داده که بخش بزرگی از این سرمایه‌گذاری در قالب پروژه جاده و کمربند که از آن به‌عنوان جاده ابریشم جدید نام برده می‌شود، بوده است. طبق ادعای این مؤسسه، چین در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ درمجموع ۲۶.۹۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران داشته است که از این رقم، ۱.۵۳ میلیارد دلار در بخش صنایع شیمیایی، ۱۱.۱ میلیارد دلار در بخش انرژی، ۴.۹۶ میلیارد دلار در بخش فلزات، ۱۶۰ میلیون دلار در بخش املاک، ۶.۹۲ میلیارد دلار در بخش حمل‌ونقل و ۲.۲۵ میلیارد دلار در سایر بخش‌های اقتصاد ایران بوده است. همچنین در بین همسایگان ایران، طی این مدت چین ۵۶.۳۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در پاکستان، ۳.۴۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در افغانستان، ۶.۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ترکمنستان، ۱.۹۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در جمهوری آذربایجان، ۱۵.۹۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ترکیه، ۲۳.۹۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در عراق، ۴۱.۱۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در عربستان و ۳۴.۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در امارات داشته است.